

نکات مهم کتاب

راهنمای معلم فلسفه ۲ پایه دوازدهم (انسانی)

دوره متوسطه (کد ۱۱۲۳۸۳) تألیف مرداد ۱۴۰۲

توضیحات:

- دبیری حکمت و معارف اسلامی
- ویژه آزمون آموزش و پرورش
- ۵۲ نکته مهم و طلایی
- حیطة تخصصی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیری حکمت و معارف اسلامی، اینجا بزنید

برای دانلود رایگان مرجع این جزوه، کتاب راهنمای معلم فلسفه ۲ دوازدهم انسانی اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»



نکات مهم راهنمای معلم فلسفه ۲ دوازدهم انسانی

-۱

بخش اول: فلسفه و ابعاد آن، شامل: چیستی فلسفه، ریشه و شاخه‌های فلسفه، رابطه فلسفه با زندگی و آغاز تاریخی فلسفه

بخش دوم: معرفت‌شناسی در فلسفه، شامل: امکان‌شناخت، ابزارهای شناخت و تاریخچه معرفت‌شناسی

بخش سوم: انسان‌شناسی فلسفی، شامل: چیستی و حقیقت انسان، فلسفه اخلاق و ملاک فعل اخلاقی

کتاب فلسفه سال یازدهم

۲- انسان‌شناسی فلسفی، شامل: چیستی و حقیقت انسان، فلسفه اخلاق و ملاک فعل اخلاقی

۳- ابن سینا مباحث دقیق و گسترده‌های پیرامون «تمایز وجود و ماهیت» طرح کرده است. منظور از واحد بودن وجود و ماهیت در خارج این نیست که مانند اجزای آب دو جزء از چیز هستند. بلکه دو جنبه از یک واقعیت هستند.

۴- بنابراین، وقتی موضوع فلسفه «وجود» باشد، فلسفه مساوی با «وجودشناسی» میشود و مسائل مربوط به وجود را شامل میگردد. حال، این وجود، در یک تقسیم فلسفی به دو قسم «وجود علمی» یا «وجود ذهنی» و «وجود عینی یا وجود خارجی» تقسیم میشود آنچه در بخش دوم کتاب سال یازدهم آمد و «معرفت‌شناسی» نامیده شد، در حقیقت، درباره وجود علمی و ذهنی بود.

۵- توجه کنیم که رابطه علیت، خودش یک رابطه ضروری است، نه امکانی. وقتی میگوییم که معلول به علت عبارت دیگر، معلول، حتما به علت نیاز دارد. اساسا مقصود از رابطه علیت این است که میخواهد بگوید معلول بدون علت، امکان پذیر نیست، معلول بدون علت محال است. به همین جهت در ذیل عنوان «تفاوت رابطه علیت با سایر روابط» گفته شده که: در رابطه علیت «وجود یک چیز ضرورتا وابسته به وجود دیگری است و اگر علت باشد، معلول آن هم حتما خواهد بود».

۶- در بیان دیدگاه فلاسفه اروپایی، دو دیدگاه مشهور که مربوط به عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان است و نیز دیدگاه خاص کانت که میتوان آن را دیدگاهی ایده‌آلیستی نامید مطرح شده است

۷- عقل‌گرایان، به خصوص دکارت اصل عقل‌گرایی را فطری میدانند و منظورشان از فطری این است که این مفهوم را انسان از جایی کسب نکرده و از بدو تولد داشته است و به تعبیر دیگر، این مفهوم به طور مادرزادی همراه انسان بوده است.

۸- هستی‌شناسی به معنای عام آن شامل معرفت‌شناسی می‌شود اما به معنای خاص آن شامل معرفت‌شناسی نمی‌شود. تعیین نسبت بین هستی و چیستی در علم هستی‌شناسی مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد.

۹- وجه تمایز موجودات جهان از حیث ماهیت یا چیستی آنها می‌باشد.

۱۰- تبیین اشراق نور نزد شیخ اشراق: یکی از اصلی‌ترین بخش فلسفه شیخ اشراق «مفهوم نور» می‌باشد به طوری که می‌توان گفت وی نور را به جای «وجود» گذاشته و توسعه‌ای همانند وجود به نور داده است. اصطلاح نور در قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارد و حدود ۵۰ بار در این کتاب آسمانی تکرار شده است و همین جایگاه، اولین عامل الهام بخش به شیخ اشراق بوده که وی را به سمت حقیقت نور هدایت نماید.

۱۱- اصول اصلی مکتب فلسفی ملاصدرا عبارتند از: اصالت وجود، وحدت حقیقت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری.

۱۲- تا قبل از ملاصدرا چندگونه وحدت شناخته شده بود. یک گونه آن، وحدت در نوع بود. در این قسم از وحدت، چند نفر از یک نوع، زیر عنوان نوع واحد قرار میگیرند و همه یک نوع به شمار می آیند. این افراد، به لحاظ حقیقت وجودی واحد نیستند، بلکه چند شخص هستند، چند وجود واقعی بیرونی دارند، خودشان چند واحد شخصی هستند اما تحت یک نوع قرار میگیرند و از این جهت یکی هستند. وحدت دیگر، وحدت در جنس است. در این قسم از وحدت، چند نوع که از یک جنس باشند، وحدت در جنس دارند، یعنی در یک جنس باهم مشترک اند و از یک جنس هستند. در اینجا هم روشن است که یک شخص حیوان در خارج نداریم. حتی یک شخص گربه یا سگ در خارج نداریم؛ در خارج، افراد گربه و سگ و اسب و مار داریم. همان طور که افراد انسان، یعنی امیر، زهرا، محسن و ریحانه در خارج داریم، نه چیزی به نام انسان که نه زهرا باشد، نه امیر و نه افراد دیگر.

۱۳- مرکز تعلیم و تعلم فلسفه قبل از ابن سینا بغداد بود. ابن سینا مرکزیت را به ایران منتقل کرد. ابن سینا اساساً به بغداد نرفت، بلکه او در فلسفه استاد نداشته است. اندکی منطق پیش استاد خوانده است. نبوغ و شهرت ابنسینا، از اطراف و اکناف طالبان حکمت را به سوی او و مطالعه کتبش کشاند.

۱۴- جو ضد فلسفه چنان حاکم بود که گروهی، هر چند اندک، اما با نفوذ در حوزه، تدریس فلسفه را حرام میدانستند و مدرس فلسفه را تحقیر میکردند. امام خمینی خود درباره آن جو می گوید اگر فرزند من از ظرف آب در مدرسه فیضیه یا حرم حضرت معصومه آب می نوشید، اگر آن گروه باخبر میشدند، ظرفی را که فرزند من در آن آب خورده بود، طاهر میکردند و بعد با آن ظرف آب مینوشیدند

۱۵- تصور وجود از تصور ماهیت قابل انفکاک (خلاصه شده توسط ایران عرضه) است؛ یعنی می توان ماهیتی را تصور نمود که وجود ندارد. لذا وجود و ماهیت در ذهن مغایرت دارند و وجود، عین ماهیت نیست.

۱۶- ابن سینا از بحث مغایرت میان وجود و ماهیت استفاده کرد و نظریه رابطه امکانی میان ماهیت اشیاء و وجود را بیان کرد.

۱۷- متکلم بزرگ دیگر اهل سنت، امام محمد غزالی است که در قرن پنجم می زیست و کتاب مشهور خود «تهافت الفلاسفه» را نوشت و به شدت به ابن سینا حمله کرد و او را متهم به کفر نمود.

۱۸- در حقیقت، همان "برهان وجوب و امکان" است که برای اثبات واجب الوجود به کار رفته است. با تقریر بیان ابن سینا مشخص میشود که : ممکن الوجود برای اینکه موجود شود، باید رابطه اش با وجود از حالت امکانی خارج شود و به حالت وجوب برسد. اگر ماهیتی ذاتاً موجود باشد، دیگر ممکن الوجود نیست و واجب الوجود بالذات می شود. در حالی که هیچ ماهیتی واجب الوجود بالذات نیست. پاسخی که در حقیقت، همان "برهان وجوب و امکان" است که برای اثبات واجب الوجود به کار رفته است. با تقریر بیان ابنسینا مشخص میشود که : ممکن الوجود برای اینکه موجود شود، باید رابطه اش با وجود از حالت امکانی خارج شود و به حالت وجوب برسد .

۱۹ میدانیم هر موجودی، وجود برایش ضروری است والا موجود نبود، حال یا ضرورت بالذات یا ضرورت بالغیر. اما اگر نگاه به ذات و ماهیت موجود کنیم، موجودات عالم را میتوان به دو دسته ممکن بالذات و واجب بالذات تقسیم کنیم. البته این ممکن بالذات، چون اکنون موجود است، واجب بالغیر شده است. پس موجودات عالم را از آن جهت که موجودند، به دو دسته واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر تقسیم میکنیم. اما همین موجودات را از نظر ذاتشان، به دو دسته ممکن الوجود و واجب الوجود تقسیم مینماییم.

۲۰- یکی از عواملی که سبب توفیق ملاصدرا در تأسیس حکمت متعالیه شد، درک عمیق ایشان از معارف قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم و اهل بیت بود. وی توان فلسفی خود را صرف درک عمیق این کلمات کرد و همین امر سبب شد که وی به اندیشه های جدیدی نیز دست یابد. لذا برخی گمان کرده اند که وی از فلسفه خارج شده و به دفاع از دین که همان علم کلام باشد، پرداخت و یک الهیات دینی به وجود آورده است. اما حقیقت اینگونه نیست. ملاصدرا در مقام تبیین فلسفی مسائل در آنجا که در حال نوشتن کتاب فلسفی بود از قاعده فلسفه عدول نکرده و از آن تبعیت کرده است.

۲۱- اگر چیزی را در ذهن خودمان بیابیم و در نظر بگیریم، اما در خارج آن را نیابیم، میتواند بدان جهت باشد که ذاتا ممتنع الوجود است، مانند شریک خداوند. همچنین میتواند بدان جهت باشد که علت آن پیدا نشده تا آن را از حالت امکان خارج کند و موجود نماید.

اگر موضوعی نسبت به محمول وجود رابطه محال داشته باشد آن را ممتنع الوجود می گویند و اگر رابطه آن با وجود احتمالی باشد آن را ممکن الوجود می گویند.

- ۲۲- نمی توان اموری را پیدا کرد که رابطه ذاتی آن ها با وجود رابطه امتناعی بوده، اما علتی برای آن ها پیدا شود و اکنون موجود باشند؛ زیرا اگر چیزی به نحو ذاتی از چیزی منفک باشد و نتواند با آن جمع شود و در عین حال بخواهد با آن جمع شود، اجتماع نقیضین پیش خواهد آمد که امری محال است.
- ۲۳- حکمای ایران پیش از باستان، به عقل، به خصوص آموزه های عقلی و عملی توجه داشتند.
- پیامبر اکرم و اهل بیت، عقل به عنوان یک دستگاه در فرهنگ اسلامی و به خصوص در قرآن کریم و سیره تفکر و استدلال، جایگاه ممتازی دارد و ابزار درونی تشخیص حق از باطل معرفی شده است.
- ۲۴- دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶) از فیلسوفان تجربه‌گرا (آمپریست) بود. پوزیتیویسم گرچه از نخله‌های تجربه‌گرایی است، اما مناسبتی با زمان حیات هیوم ندارد و بعدها پدید می‌آید.
- ۲۵- امام صادق: «ستون خیمه وجود انسان عقل است و با وجود عقل است که فطانت و فهم و توانایی حفظ و دانش حاصل میشود و با عقل است که انسان کامل میشود و این عقل است که راهنمای انسان و چشم بینای او و کلید مشکلات اوست...» (کافی، ج ۱ ص ۴۸)
- ۲۶- مقصود ارسطو از قوه نطق صرفا سخن گفتن نبوده بلکه بیان مفاهیم و استدلال های عقلی در قالب لفظ و بیان است.
- ۲۷- دیدگاه دموکریتوس در نحوه پیدایش جهان و شکل گیری موجودات: کاپلستون در کتاب "تاریخ فلسفه" دیدگاه دموکریتوس و لوکیپوس را چنین بیان میکند: بنا بر نظر لوکیپوس و دموکریتوس شمار نامحدودی واحد تقسیم ناپذیر وجود دارند که اتمها (ذرات تجزیهناپذیر) نامیده میشوند. اینها به ادراک حسی در نمی آیند، زیرا بسیار خردند و حواس نمیتوانند(تهیه شده توسط سایت ایران عرضه) آنها را ادراک کنند. اتم ها در اندازه و شکلهای مختلفند، لیکن کیفیتی ندارند، مگر سختی و صلابت و نفوذ ناپذیری. آنها محدودند و در خلأ حرکت می کنند. لذا برخورد اتفاقی اتم ها و ذرات ریز و غیرقابل تقسیم سرگردان در فضای غیر متناهی سبب پیدایش عناصر و اشیا فعلی در جهان است.
- ۲۸- معنای اول انکار اصل علیت است، بدین معنا که کسی بگوید هر چیزی میتواند خود به خود به وجود آید. معنای این جمله آن است که: برای پیدایش معلول، وجود علت ضرورت ندارد. از طرف دیگر معنای این جمله آن است که اگر فلان علت پیدا شد، اینگونه نیست که حتما و ضرورتا معلول هم پیدا شود.
- ۲۹- امام صادق (ع) فرمود عاقل در برابر حق خاشع و خاضع است، زیرا قوه عقل او به فعلیت رسیده و عقل او حق را تشخیص میدهد و دعوت به حق میکند
- ۳۰- این بحث وجوب علی و معلولی بحث امکان است. در بحث امکان در درس قبل، توضیح داده شد که ماهیات پیرامون ما و نیز خودمان نسبت به وجود، حالت امکانی داریم و ذات ما بهگونهای نیست که ضرورتا موجود باشیم. حال که ما ممکن الوجود هستیم، وقتی موجود میشویم که از حالت امکان بیرون بیاییم و وجود برای ما واجب شود و این کار توسط علت رخ میدهد.
- ۳۱- سومین مورد از دیدگاه فلاسفه مسلمان، اثبات معرفت از طریق قلب و شهود قلبی است؛ همان دیدگاهی که فیلسوفان مسلمان رسیدن به معرفت شهودی را ممکن میدانند و بالاترین معرفت شهودی را هم وحی پیامبرانه میشمارند و در اصل و حقیقت، تعارضی میان داده های عقلی و وحی نمیابند.
- ۳۲- سومین مورد از دیدگاه فلاسفه مسلمان، اثبات معرفت از طریق قلب و شهود قلبی است؛ همان دیدگاهی که فیلسوفان مسلمان رسیدن به معرفت شهودی را ممکن میدانند و بالاترین معرفت شهودی را هم وحی پیامبرانه میشمارند و در اصل و حقیقت، تعارضی میان داده های عقلی و وحی نمیابند.
- ۳۳- حقیقت این است که روح زردشتی گری به صورتی بوده (یا درآورده بودند) که به هیچ وجه با علم و فلسفه سازگار نبوده و اگر احیانا فردی زنجیر را پاره میکردند و به علوم می گراییده اند، زردشتی گری را بدروم می گفته اند.
- ۳۴- فارابی اولین فیلسوف مسلمان است که هم به ارسطو و هم به افلاطون توجه کرد و دارای دیدگاه روشن در مسائل فلسفی بود. فارابی در کتاب جمع بین رای حکیم به بررسی آرای افلوطین و ارسطو می پردازد.
- ۳۵- از نظر کرگور ایمان به خداوند از راه برهان عقلی و شناخت عقلی حاصل نمیشود و بیشتر از ناحیه لطف الهی است. اما فلسفه مسلمان معتقدند که شناخت عقلی و برهان عقلی میتواند مقدمه ایمان به خدا قرار گیرد.

۳۶- سقراط، افلاطون و ارسطو تلاش کردند تصویری عقلانی از خدایی که مجرد از عالم طبیعت و برترین است ارائه دهند. برهان مشهور ارسطو برهان حرکت است و هیوم معتقد است برهان نظم تنها یک ناظم و مدبر را می‌تواند اثبات کند؛ نه بیشتر.

۳۷- شکل استدلالی بیان ارسطو چنین است :

مقدمه ۱: در این جهان موجوداتی وجود دارند که نسبت به هم خوبتر و بهتر هستند.

مقدمه ۲: هر جا که خوبتر و بهتر هست، خوبترین و بهترین نیز هست.

مقدمه ۳: پس در این جهان موجودی هست که از همه خوبتر و بهترین است.

۳۸- اولین فیلسوفی که در اینجا نظرش درباره خداوند بیان شده، دکارت است که در کتاب «تأملات» خود با چند بیان برای وجود خداوند استدلال ارائه کرده است.

۳۹- برهان آنسلم که به «برهان وجودی» شهرت دارد، چنین است:

همه افراد، حتی افراد سفیه از ذاتی که از آن بزرگتر نباشد، (طراحی شده توسط ایران عرضه) تصویری دارند. چنین ذاتی البته وجود دارد، زیرا اگر وجود نداشته باشد، بزرگترین نیست و آن بزرگترینی که وجود دارد، از او بزرگتر است و این خلف است. پس ذاتی هست که هم در تصور و هم در واقع بزرگترین است و آن خداست.

۴۰- حقیقت این است که زندگی معنادار، آن زندگی ایی است که برپایه غایت و هدف معقول و شایسته انسان بنا شده باشد و این غایت معقول و شایسته، همان امر مقدس و پاکی است که انسان تلاش میکند به آن نزدیک شود و این حقیقت مقدس همان خداست که غایت انسان است و دارای همه زیباییها و قداست هاست.

۴۱- توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام از زمان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان رایج بوده است، اما برخی از جریان‌های فکری در جهان اسلام با عقل مخالفت کردند. این مخالفت دو شکل عمده داشت:

1- تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن

2- مخالفت با فلسفه و منطق تح تعنوان دستاوردهای یونانی و غیراسلامی

مخالفت با عقل به شکل اول یعنی برخی جریان‌های فکری در جهان اسلام در عین پذیرش عقل به عنوان یکی از ابزارهای معرفت، به کارگیری آن را در همه حوزه‌های دینی جایز نمی‌دانستند و مسلمانان را از تحلیل و تبیین‌های عقلانی در برخی مسائل دینی بر حذر می‌داشتند. آنان عقیده داشتند برخی مسائل دینی را باید به صورت ایمانی پذیرفت و چون و چرای عقلی در آن جایز نیست.

۴۲- بعد از اینکه این ادراکات وارد شد و ذهن شکل گرفت و توانست در این ادراکات تصرف کند متکی بودن این ادراکات به خود و ذهن خود را مییابد و مفاهیمی از قبیل وابسته بودن، علت بودن و معلول بودن را به علم حضوری مشاهده میکند و از این علم حضوری، علم حصولی به دست می‌آورد و متوجه مفاهیمی مانند علت و معلول میشود. به عقیده فیلسوفان اسلامی عقول، علم حصولی به خود دارند اما خالق شان را با علم حضوری درک می‌کنند و هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آن‌ها را درک حضوری می‌کنند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آن‌ها هستند.

۴۳- اگر کسی اصل وجود را انکار کند، (تنظیم توسط سایت ایران عرضه) در واقع پذیرفته علت می‌تواند محقق شود ولی معلولش محقق نشود. در این صورت علت، نقشی در بودن یا نبودن معلول ندارد. انکار اصل وجود در معنای اول اتفاق مطرح می‌شود و چنین اتفاقی را هیچ فیلسوفی نپذیرفته است.

۴۴- فیلسوفانی که معمولاً به علل‌العلل معتقد نیستند غایت مندی زنجیره حوادث را انکار می‌کنند.

۴۵- حتی اگر در آینده نیز این عدم قطعیت از بین نرود، از این امر نمیتوان نتیجه گرفت که رابطه علت و سنخیت میان علت و معلول مخدوش شده و قابل قبول نیست: زیرا ممکن است ابزارهای تجربی ما به گونه ای باشد که خودش در صحنه آزمایش اثر کند و به عنوان یک علت دخالت نماید و نتایج را تغییر دهد.

۴۶- برخی مردم گاهی فکر می‌کنند که در بعضی موارد در عین وجود علت، معلول آن پدید نیامده است زیرا برخی از مردم از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند به عبارت دیگر علت ناقصه را علت تامه می‌پندارند .

۴۷- دموکریتوس فیلسوف یونان باستان معتقد بود که ماده‌ی اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم‌ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیرقابل تقسیمی هستند که در فضای غیر متناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می‌کنند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان، سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.

۴۸- اصطلاح «انتخاب اصلح» که با نظریه داروین درباره تکامل زیستی انواع موجودات، مطرح گردید، اصطلاحی است که از نظر برخی از تدوین کنندگان نظریه داروین دربردارنده شکلی از اتفاق میباشد.

۴۹- سه معنا از معانی اتفاق، دربردارنده انکار سه اصل علیت، وجوب بخشی علت به معلول و اصل سنخیت ست. لذا هر کس این معانی از اتفاق را بپذیرد، آن سه اصل را انکار کرده است.

۵۰- فارابی می گوید هر موجودی که معلول باشد، و جودش وابسته به علت است. اما راسل گمان کرد که فلاسفه میگویند هر وجودی نیازمند و وابسته به علت است.

۵۱- بعد از اینکه این ادراکات وارد شد و ذهن شکل گرفت و توانست در این ادراکات تصرف کند متکی بودن این ادراکات به خود و ذهن خود را مییابد و مفاهیمی از قبیل وابسته بودن، علت بودن و معلول بودن را به علم حضوری مشاهده میکند و از این علم حضوری، علم حصولی به دست میآورد و متوجه مفاهیمی مانند علت و معلول میشود. به عقیده فیلسوفان اسلامی عقول، علم حصولی به خود دارند اما خالق شان را با علم حضوری درک می کنند و هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آن ها را درک حضوری می کنند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آن ها هستند.

۵۲- متون اولیه و اصیل باقی مانده از مذهب زرتشت نشان میدهد که اهریمن مخلوق اهورامزدا است و اهورامزدا خالق کل هستی و نور النوار جهان است.

ایران‌عرشه
فروشگاه کالاهای دانلودی
IRANARZE.IR

ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیری حکمت و معارف اسلامی، اینجا بزنید

برای دانلود رایگان مرجع این جزوه، کتاب راهنمای معلم فلسفه ۲ دوازدهم انسانی اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»

